

چکیده

نقد و بررسی فقه مقاصدی از نظرگاه اهل سنت کتابی به زبان فارسی نوشته [محمدعلی قاسمی](#) در فقه را از و جایگاه [مقاصد شریعت](#) و احمد خوانساری است که [فقه مقاصدی قاسمی](#) منظر اهل سنت بررسی می‌کند. مقاصد شریعت در نگاه گروهی از فقیهان اهل سنت یکی از منابع بسیار مهم در کشف حکم شرعی است و در فقه شیعه مورد تامل و تردید قرار گرفته است.

نویسندگان کتاب، ضمن تشریح جایگاه و اهمیت بحث، به بررسی منابع تشریع از منظر فریقین پرداخته و ماهیت فقه مقاصدی از منظر اهل سنت را واکاوی کرده‌اند. قاسمی و خوانساری ضمن بیان سیر و تطور تاریخی این بحث، به بیان اندیشه مقاصدی در مدرسه امامیه و مدرسه اهل سنت پرداخته‌اند. تبیین مبانی، زیرساخت‌ها و ارکان نظریه مقاصد و نقد آن‌ها، راه‌های شناخت مقاصد و انواع آن، و تطبیقات نظریه مقاصدی از دیگر موضوعات مهم کتاب است.

فقه‌های شیعه در موارد کمی به مقاصد استناد کرده‌اند و هیچگاه نیز به‌عنوان یک دلیل مستقل مورد تمسک قرار نگرفته است، زیرا از نظر فقه‌های شیعه مصالح و مفاسد احکام خارج از دسترس عقل است، و برای اجتناب از قیاس، استحسان و مصالح مرسله باید تا حد ممکن از روش‌های استنباطی اجتناب کرد.

معرفی و گزارش ساختار

کتاب نقد و بررسی فقه مقاصدی از نظرگاه اهل سنت، تالیف محمدعلی قاسمی و احمد خوانساری دو پژوهش‌گر و مدرس فقه و اصول در حوزه علمیه قم است. کتاب در پنج فصل تدوین شده و به دنبال تبیینی جامع از فقه مقاصدی از منظر اهل سنت و نقد و بررسی ادله و مبانی آن است. این کتاب در سال ۱۳۹۵ شمسی توسط [مرکز فقهی ائمه](#) به چاپ رسیده است [اطهار](#).

ساختار کتاب

نویسندگان در گفتار فصل اول ضمن واکاوی و تبیین موضوع، به بیان ضرورت، پیشینه و اهداف موضوع پرداخته‌اند. گفتار دوم ضمن بیان مفهوم‌شناسی فقه و مقاصد، به ذکر تعاریف از این دو واژه از منظر اهل سنت اشاره کرده‌اند، همچنین مفاهیم دیگری همچون شریعت، مصلحت و عقل را نیز مورد واکاوی قرار داده‌اند. نویسندگان گفتار سوم را به موضوع بررسی منابع تشریع از نظرگاه فریقین اختصاص داده و هفت منبع قرآن، سنت نبوی، سنت صحابه، اجماع، [عقل](#)، قیاس و استحسان را مورد واکاوی قرار داده‌اند (ص ۱۹-۹۴).

قاسمی و خوانساری فصل دوم را به موضوع سیر تاریخی مقاصد شریعت در مدرسه امامیه و اهل سنت اختصاص داده‌اند. این فصل در سه گفتار تحت عناوین تاریخچه نظریه مقاصد در مدرسه امامیه، اندیشه مقاصدی در مدرسه اهل سنت و مقاصد شریعت در دوران حاضر مطرح شده است (ص ۹۵-۱۷۴).

نویسندگان در فصل سوم مبانی، ارکان و ادله نظریه مقاصد را در هفت گفتار مطرح و موضوعات ذیل را بررسی کرده‌اند؛ مبانی و زیرساخت‌های نظریه مقاصد، ارکان دانش مقاصد شریعت، امکان معرفت و شناخت مقاصد شریعت، راه‌های شناخت مقاصد شریعت، تقسیمات و انواع مقاصد، تطبیق و ترجیح مقاصد و ادله مقاصد شریعت (ص ۱۷۵-۲۵۲).

قاسمی و خوانساری در فصل چهارم که هدف اصلی تالیف این کتاب است و در دو گفتار تنظیم شده، به نقد مبانی، ارکان و ادله مقاصد شریعت پرداخته‌اند (ص ۲۵۳-۲۸۸).

فصل پنجم کتاب به موضوع تطبیقات نظریه مقاصد اختصاص یافته و در سه گفتار به عناوین تطبیقات از دیدگاه فقیهان شیعه، تطبیقات اهل سنت و کاربرد مقاصد شریعت پرداخته‌اند (ص ۲۸۹-۳۴۶).

جایگاه و اهمیت

به باور نویسندگان از آنجا که اهل سنت مقاصد را به عنوان منبع حکم شرعی پذیرفته و با بهره‌گیری از دیگر مولفه‌های آن همانند قیاس، احکامی را خلاف شریعت صادر کرده‌اند، از سوی دیگر به صورت غیرروشمند نظریه مقاصد به برخی روشنفکران شیعی نیز سرایت کرده است، اهمیت طرح این تحقیق روشن می‌شود. همچنین توجه به پی‌آمدهای این نظریه و نقد آن و تبیین موارد صحیح از این نظریه در نظام نظری، اهمیت این پژوهش را دوچندان می‌کند (ص ۲۲-۲۳).

لفظ مقاصد از ماده قصد به معنای هدف، غایت و مطلوب مورد نظر است (ص ۳۳). نویسندگان ضمن بیان معنای اصطلاحی متعدد، به این باور می‌رسند که تعاریف پیرامونی مقاصد، به جلب مصلحت و منفعت و دفع مفسده بازمی‌گردد (ص ۳۷). سپس در ادامه به معنا و مفهوم‌شناسی شماری از اصلاحات همچون شریعت، فقه، علت، مصلحت، عقل و مباحث پیرامون آنها پرداخته‌اند (ص ۳۲-۶۲).

بررسی منابع تشریع از منظر فریقین

نویسندگان معتقدند برای شناخت جایگاه نظریه مقاصد، باید منابع مورد استفاده در شریعت جهت استنباط احکام مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه شش دیدگاه از فقه امامیه و اهل سنت در مورد کم و کیف منابع استنباط را بیان و مورد بررسی قرار داده‌اند. بررسی دلالت قرآن، سنت نبوی، سنت صحابه، اجماع، عقل، قیاس و استحسان (۶۴-۹۳) موضوع گفتار چهارم از فصل اول کتاب است.

اندیشه مقاصد شریعت در مدرسه امامیه

نویسندگان کتاب، گفتار اول از فصل دوم را با نام «تاریخچه نظریه مقاصد در مدرسه امامیه» تنظیم کرده‌اند. وجود مصالح و مفاسد نفس الامری در احکام شرعی، یکی از عقاید امامیه است. این عقیده مبنی بر قاعده حسن و قبح عقلی است که تمام اشیاء نزد عقل دارای محاسن و مفاسد هستند و شواهد زیادی در آیات و روایات فراوانی بر این

موضوع وجود دارد و اهل بیت(ع) که مفسران قرآن هستند، در بیان تفسیر و روایات، به بیان برخی علل و مقاصد احکام اشاره کرده‌اند (ص ۹۷-۱۰۳)

فقه‌های شیعه از یک سو مصالح و مفاسد احکام را پذیرفته‌اند، از جهت دیگر باید به سفارش اهل بیت(ع) از ظنون و قیاس در دین پرهیز کنند؛ به همین جهت نمی‌توان فقه شیعه را فقه مقاصدی به معنای خاص برشمرد، هرچند در برخی منابع فقهی مواردی نقل شده که به اهداف شارع اشاره دارند و در باب علل شرعی نیز کتاب‌هایی نوشته‌اند (ص ۱۰۳-۱۱۲). در منابع فقهی بحث تنقیح مناط در فقه و اصول (ص ۱۱۲-۱۱۹) و استظهار از نصوص با توجه به مقاصد به صورت روشمند به بحث مقاصد الشریعه نزدیک است (ص ۱۲۰-۱۲۴).

نویسندگان کتاب در ادامه بحث پنج علت مهم را به عنوان سبب عدم انتشار فقه مقاصدی نزد علمای شیعه ذکر کرده‌اند. (۱) عدم امکان شناخت ملاکات احکام، (۲) روشمندی نبودن فقه مقاصدی، (۳) دوری فقه‌های شیعه از مسائل اجتماعی و حکومتی در طول تاریخ، (۴) غنای روایی مکتب اهل بیت(ع) و احساس بی‌نیازی از کاربرد نظریه مقاصدی، (۵) صدور روایات فراوان از اهل بیت(ع) در مذمت قیاس و رأی، از جمله عوامل مهم در انتشار نیافتن فقه مقاصدی نزد علمای شیعه است (ص ۱۲۷-۱۳۱)

اندیشه مقاصدی در مدرسه اهل سنت

قاسمی و خوانساری در گفتار دوم از فصل دوم ذیل عنوان «اندیشه مقاصدی در مدرسه اهل سنت» به دنبال تبیین سیر تاریخی اندیشه فقه مقاصدی در منابع اهل سنت از زمان صحابه تاکنون هستند و تاریخ این اندیشه را در پنج دوره پیگیری کرده‌اند.

دوره اول: صحابه؛ در این دوره، بسیاری از صحابه افزون بر روایات نبوی، نظرات خود را نیز اعمال می‌کردند (ص ۱۳۲-۱۳۴)

دوره دوم: پیشوایان فقهی اهل سنت؛ نویسندگان کتاب در اینجا به بیان عملکرد و نظرات فقهای اربعه اهل سنت یعنی ابوحنیفه، مالک بن انس، شافعی و احمد بن حنبل پرداخته‌اند (ص ۱۳۴-۱۴۱)

دوره سوم: دوران پس از آن؛ نویسندگان در این دوره به بیان دیدگاه پانزده تن از علمای موثر اهل سنت در توسعه فقه مقاصدی اشاره می‌کنند، که از ابومنصور ماتریدی (درگذشته ۵۳۳ ق.) شروع و به [ابواسحاق شاطبی](#) (درگذشته ۵۷۹۰ ق.) ختم می‌شود. نویسندگان کتاب ذیل بخش مرتبط با هر یک از این فقیهان ضمن استناد به دیدگاه‌های فقهی و موارد مورد استناد، نکات و نمونه‌هایی را بیان می‌کنند (ص ۱۴۱-۱۶۰)

دوره چهارم: زمان شاطبی؛ قاسمی و خوانساری از این جهت که شاطبی با افکار خود، حیات جدیدی به فقه مقاصدی دمید و تمام تاریخ‌نویسان علم اصول نیز به این مطلب اذعان دارند، وی را در دوره چهارم مستقلاً مطرح و برخی نوآوری‌های وی در فقه مقاصدی را بیان کرده‌اند (ص ۱۵۸-۱۶۰)

دوره پنجم: عصر حاضر: نویسندگان کتاب معتقدند که از زمان شاطبی در قرن هشتم تا قرن ۱۴ در موضوع فقه مقاصدی وقفه‌ای طولانی به علل مختلفی از جمله پیچیدگی و سختی مطالب شاطبی رخ داد (ص ۱۶۱). در دوران جدید علمایی از اهل سنت مفصلاً و [یوسف قرضاوی](#) همانند [محمد عبده](#)، [ابن عاشور](#)، [علال الفاسی](#)، [احمد ریسونی](#) به این بحث پرداخته و قاسمی و خوانساری ذیل هر فرد، مبانی و نظرات آنها را بیان کرده‌اند؛ سپس نام بیش از بیست اثر از اهل سنت در مورد فقه مقاصدی را نام برده‌اند (ص ۱۶۱-۱۷۳).

مبانی، زیرساخت‌ها و ارکان نظریه مقاصد

قاسمی و خوانساری با تاکید بر اندیشه اندیشوران اهل سنت از جمله بیان دیدگاه، شاطبی ضمن بیان برخی مبانی و پیش‌فرض‌های نظریه مقاصد، با ایراد اشکال اساسی در مورد دلیلیت عقل و تاثیر انکار حسن و قبح بر نظریه مقاصد، مبانی و پیش‌فرض‌های این نظریه را نقد کرده‌اند (ص ۱۷۷-۱۸۴).

نویسندگان کتاب، هدف، موضوع و روش را سه رکن اساسی نظریه مقاصد دانسته و با تمسک به دیدگاه برخی از علمای اهل سنت از جمله ابن عاشور درصدد تبیین این سه رکن برآمده‌اند (ص ۱۸۵-۱۸۹).

موضوع دیگر آنکه آیا اساساً امکان شناخت مقاصد شریعت وجود دارد یا خیر؟ نویسندگان کتاب معتقدند: طبق باور امامیه و معتزله که قائل به حسن و قبح عقلی هستند، چون اشیاء و افعال قبل از آنکه حکمی از سوی شارع در مورد آنها صادر شود، متصف به صلاح و فساد است، عقل نیز می‌تواند به صورت استقلالی اینها را درک کند. برخلاف نظر اشاعره که منکر حسن و قبح عقلی هستند، از همین روی افرادی همانند شاطبی اعتراف کرده‌اند که مقاصد شریعت تنها با بیان شرع قابل درک است.

شاطبی فقیهان را در مورد شناخت مقاصد به سه دسته تقسیم می‌کند. (۱) ظاهرین، که معتقدند تنها راه شناخت مقاصد نص است، (۲) غیر ظاهرین و (۳) گروهی که میان ظواهر نصوص، معانی و علل جمع کرده‌اند (ص ۱۹۰ و ۱۹۱). نویسندگان کتاب معتقدند جمهور اهل سنت حسن و قبح عقلی را نپذیرفته‌اند و نمی‌توانند بر آن تکیه کنند، اصل تعلیل‌پذیری و شناخت علت احکام را ناممکن می‌دانند و کاشفیت نصوص نسبت به مقاصد را نقد کرده‌اند. همچنین تکیه بر استقراء، اجماع، کاشفیت عقل، و کاشفیت ظن معتبر را نیز قابل دفاع نمی‌دانند. از نظر ایشان تقسیمات مقاصد در تقسیم‌هایی که گفته شده منحصر نیست (ص ۲۵۵-۲۶۴).

راه‌های شناخت مقاصد شریعت، تقسیمات و انواع آن

نویسندگان کتاب، بعد از اثبات امکان راهیابی به مقاصد شریعت، در گفتار چهارم از فصل سوم هشت طریق برای شناسایی مقاصد ذکر کرده‌اند، ۱- فهم دین و مقاصد طبق مقتضیات زبان عربی، ۲- اوامر و نواهی شرعی و توجه به علل امر و نهی، ۳- بیان مقاصد در نصوص، ۴- استقراء جهت دریافت مقاصد، ۵- اجماع به این معنا که مجتهدان امت اتفاق نظر داشته باشند که کاری داری مصلحت و مفسده عام یا خاص است یا مقصدی

از مقاصد شریعت در آن نهفته است، ۶- عقل که مدرک بیشتر مصالح و منافع دنیوی است؛ ۷- ظن و گمان معتبر، ۸- سکوت شارع که گویای باز بودن باب اجتهاد است (ص ۱۹۲-۲۰۹).

تقسیم‌بندی مقاصد شریعت

در نگاه قاسمی و خوانساری از زوایای مختلفی می‌توان تقسیماتی برای انواع مقاصد ذکر کرد و شناخت این تقسیمات برای نقد این نظریه ضروری است. در این باره پنج تقسیم‌بندی وجود دارد. ۱- از جهت گستره و فراگیری (مقاصد کلی، مقاصد نوعی، مقاصد جزئی)، ۲- تقسیم مقاصد به لحاظ شمول (مقاصد عامه و خاصه)، ۳- تقسیم بر اساس اصلی و فرعی بودن، ۴- تقسیم بر اساس اهمیت و مصلحت، ۵- تقسیم مقاصد به لحاظ قوت و ضعف (ص ۲۱۰-۲۱۷).

تزامم مقاصد

موضوع تطبیق و ترجیح مقاصد و بررسی تزامم و معارضه با یکدیگر، از موضوعات کلیدی این کتاب است. نویسندگان کتاب معتقدند: غزالی مبدع و اولین بررسی کننده تعارض میان مقاصد اصلاحی است (ص ۲۱۹). برخی از وجوه تقدم و ترجیح مقاصد عبارتند از ۱- تقدم مصلحت کلی بر جزئی، ۲- ترجیح به لحاظ قوت ثبوت، ۳- ترجیح بر اساس ارزشمندی مقصد و مصلحت، ۴- تقدم دفع مفسد بر جلب منفعت، ۵- سنجه و تقدیم بر اساس پذیرش عالمان، ۶- تقدم مقصد دارای مصلحت افزون، ۷- تغلب جانب دفع مفسده افزون (ص ۲۱۹-۲۲۲).

ادله مقاصد شریعت و نقد آن

از نظر نویسندگان کتاب، بررسی ادله مقاصد شریعت بالاترین جایگاه در این بحث را دارد و اگر نظریه در بیان ادله قصور داشته باشد، در حد فرضیه باقی خواهد ماند. نویسندگان کتاب در مجموع نه دلیل برای اثبات مقاصد شریعت بیان کرده سپس به نقد و بررسی آن پرداخته‌اند.

دلایل قرآنی

به گزارش کتاب، آیاتی چند از قرآن همچون [ممتحنه: ۱۲](#)، [توبه: ۹۱](#)، [احزاب: ۳۷](#)، [بقره: ۱۹۰](#) از مهمترین راه‌های تشخیص مقاصد دانسته شده‌اند (ص ۲۲۴-۲۲۳) و [۲۲۲](#)، [۱۷۳](#)، [۱۹۰](#) سپس در نقد این دلیل معتقدند، اولاً دلالت بسیاری از آیات بر مطلوب ضعیف است. ثانیاً، گرچه برخی دلالت‌ها عمومی است، اما چگونه می‌توان آنها را با مصداق‌های جزئی منطبق کرد؟ ثالثاً، کدام یک از برداشت‌های متفاوت دانشوران مقاصدی از آیات صحیح و قابل قبول است (ص ۲۶۶-۲۶۹).

سنت نبوی

به باور نویسندگان در سیره و سنت نبوی (ص) موارد متعددی از مقاصد شریعت بیان شده است (ص ۲۳۳-۲۳۶)، اما این مدعا از نظر نویسندگان کتاب قابل نقد است، زیرا اولاً

بسیاری از این موارد و شواهد برداشت شخصی است و در روایات تصریحی به آن نشده است. ثانیاً، راه دستیابی به مقاصد بیان نشده و هر کسی طبق باور خود مقصدشناسی می‌کند. ثالثاً، شاید روایاتی که به مقاصد کلی اشاره دارد در واقع اشاره به این دارد که احکام گرد مصالح نفس الامری می‌گردد و احادیث بیان‌گر مقاصد انگیزه‌ساز است و در مواردی که شک شود نمی‌توان راه مقاصد کلی شارع را پیمود. رابعاً، برخی مقاصد مستفاد از سیره نبوی همانند مقصد تیسیر، دارای اشکالاتی است (ص ۲۶۹-۲۷۳)

روش صحابه و سلف

از نظر بسیاری علمای اهل سنت روش صحابه و سلف دال بر حجیت مقاصد است و نویسندگان کتاب، با استناد به منابع اهل سنت ضمن تبیین این مدعا (ص ۲۳۶-۲۴۰) اینگونه در صدد نقد آن برآمده‌اند. اولاً باید مراد سیره مشخص شود؟ ثانیاً، وقتی برخی صحابه حتی در استنباطات خود شک دارند، چگونه می‌توانند سکوت سایرین را حمل بر تایید کنند؟ ثالثاً، برفرض قبول این دلیل، باید عصمت که بالاتر از عدالت صحابه است ثابت شود، زیرا عدالت همراه خطا و اشتباه هم ممکن است باشد. رابعاً، سیره، دلیلی مجمل است و بجز یقینیات نمی‌توان به آن استناد کرد. خامساً، نمی‌شود به صرف صحابه بودن، روش آنها را بدون پشتوانه قرآن و سنت نبوی حجت دانست (ص ۲۷۳-۲۷۵)

سایر ادله

اجماع، استقراء، قطعی بودن مقاصد، عقل، فطرت و حدیث لاضرر از دیگر ادله است که به باور نویسندگان (برای اثبات حجیت مقاصد به آنها استناد شده است) (ص ۲۴۰-۲۵۱) کتاب، این ادله نیز مخدوش است، زیرا اثبات حجیت اجماع با توجه به وجود مبانی متفاوت، امکان‌پذیر نیست (ص ۲۷۶ و ۲۷۷). دلیل استقرائی هم مخدوش است، زیرا اثبات هدف‌دار بودن شریعت، ارتباط چندانی به اثبات روش مقاصدی ندارد. افزون بر آنکه اثبات وجود چنین مقاصدی ثمره چندانی برای روش مقاصدی ندارد؛ مهمتر از همه، استقراء زمانی می‌تواند حکم شرعی را ثابت کند که تام و تمام باشد، نه ناقص و گمان‌آور (ص ۲۷۸-۲۸۰).

نویسندگان کتاب معتقدند: دلیل قطعی بودن مقاصد نیز قابل اثبات نیست، زیرا حجیت قطع، امر شخصی است و نمی‌توان به عنوان دلیل اصولی بدان تمسک جست. افزون بر آنکه غایت‌مندی شریعت، با نظریه مقاصدی اصطلاحی اهل سنت متفاوت است (ص ۲۸۱-۲۸۳). در ادامه نویسندگان مواردی در نقد دلیل عقلی، فطرت و تمسک به حدث لاضرر را بیان و آنها را ناکافی دانسته‌اند (ص ۲۸۳-۲۸۸)

تطبیقات نظریه مقاصد

نویسندگان کتاب معتقدند در میان فقهای شیعه نمی‌توان کسی را یافت که در مورد مقاصد شریعت به صورت مستقل و به عنوان دلیل تام، سخن به میان آورده باشد. و در موارد اندکی که بدان استناد شده، به عنوان یک دلیل مستقل نیست؛ و برای اجتناب از گرفتارشدن در دام قیاس، استحسان و مصالح مرسله باید تا حد ممکن از روش‌های استنباطی اجتناب کرد.

به باور نویسندگان کتاب، می‌توان تطبیقات را به دو دسته تطبیقات کلی مقاصد و تطبیقات جزئی مقاصد تقسیم کرد. تطبیقات کلی مقاصد در ابواب مختلف فقه مطرح و می‌توان آنها را در پنج اصل حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ دین، حفظ نسب و حفظ مال برشمرد (ص ۲۹۱-۲۹۳). در ادامه نویسندگان کتاب به شرح و بیان تطبیقات مقاصد در ابواب معاملات (ص ۲۹۳-۲۹۷)، قضا و شهادات (۲۹۷ و ۲۹۸)، حدود، قصاص و دیات پرداخته‌اند (ص ۲۹۸ و ۲۹۹).

دسته دوم، تطبیقات جزئی مقاصد است که نویسندگان در راستای استنباط یا تایید استنباط از آن بهره جسته و موضوعاتی چون حفظ عقل و کرامت انسانی، اثبات طهارت اهل کتاب، صحت بیع مضطر، اثبات خیار غبن با آسان‌گیری شریعت، مصلحت افراد، حفظ مال مردم، صحت تقیه و حرمت زنا به لحاظ حفظ نسب را مورد بررسی قرار داده‌اند (ص ۲۹۹-۳۰۴).

نویسندگان گفتار دوم در فصل پایانی کتاب به تطبیقات مقاصد از منظر غزالی، ابن تیمیه و ابن عاشور پرداخته و نمونه‌هایی را برای اثبات مدعای خود بیان کردند (ص ۳۰۵-۳۲۷). سپس برخی از تطبیقات مقاصد در مسائل جدید همچون بیمه، اهدای عضو، مهندسی ژنتیکی، خارج کردن نوزاد از شکم مادر مرده، غنا و موسیقی را بررسی کرده‌اند (ص ۳۲۷-۳۳۴).

قاسمی و خوانساری در گفتار سوم برخی از مظاهر کاربردی مقاصد شریعت از نظر ابن عاشور را بررسی کرده‌اند ۱- نگرستن در اقوال و نصوص شرعی، ۲- رفع تعارض میان نصوص شرعی، ۳- شناخت حکم اموری که نص مخصوصی ندارد، ۴- ایجاد حکم غیر منصوص، ۵- تقلیل احکام تعبدی، ۶- ایجاد توازن و اعتدال در احکام و عدم اضطراب (ص ۳۳۵-۳۴۵) نمونه‌هایی از این مظاهر کاربردی هستند.